

نشریه علمی فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده

سال پانزدهم، شماره ۵۱، تابستان ۱۳۹۹: ۱۵۰ - ۱۱۷

بررسی جامعه‌شناختی رابطه اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی

و طلاق عاطفی در خانواده‌های تهرانی

باقر ساروخانی^۲

زهرا فریرز^۱

زهرا حضرتی صومعه^۳

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۱۱/۰۵

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۱۷

چکیده

هدف اصلی مقاله بررسی جامعه‌شناختی رابطه اعتیاد به شبکه‌های مجازی و طلاق عاطفی زوجین در شهر تهران و نیز دستیابی به یک الگوی نظری تحلیلی درباره متغیرهای تأثیرگذار در این زمینه است. چارچوب نظری مورد استفاده به صورت ترکیبی و مبتنی بر نظریه کارکردگرایی ساختی پارسونز است. نوع تحقیق کمی، و روش تحقیق پیمایشی، و اطلاعات لازم با استفاده از ابزار پرسشنامه گردآوری شده است. جمعیت آماری تحقیق تمام ساکنان متأهل در سطح شهر تهران هستند و نمونه مورد مطالعه شامل ۴۰۳ نفر از متأهلانی است که به فضای مجازی دسترسی دارند. برای انتخاب این تعداد، روش نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مرحله‌ای به کار برده شد. یافته‌های تحقیق حاکی است که رابطه آماری مستقیم بین متغیرهای مستقل اعتیاد اینترنتی و متغیر وابسته طلاق عاطفی با ضریب تأثیر ۰/۱۶ وجود دارد؛ لیکن اعتیاد اینترنتی به واسطه متغیرهای صمیمیت، از خودبیگانگی، دینداری، سلامت روانی و پایداری نسبت به سنتها و ارزشها بر متغیر وابسته تأثیرگذار و دارای رابطه‌ای معنادار است که از این بین، متغیر صمیمیت زناشویی دارای بیشترین مقدار ضریب تأثیر است.

کلیدواژه‌ها: خانواده و شبکه‌های اجتماعی، طلاق عاطفی و شبکه‌های مجازی، خانواده و اعتیاد اینترنتی، خانواده‌های تهرانی و شبکه‌های مجازی

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

zahra_art2002@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول: استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

b.saroukhani@yahoo.com

hazrati14@yahoo.com

۳. استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران

مقدمه

اغلب جامعه‌شناسان و کارشناسان رسانه بر این باورند که ظهور اینترنت و رسانه‌های نوین ارتباطی به تحول شگرفی در معادلات اجتماعی و معرفتی جهان منجر شده است؛ به گونه‌ای که ورود به دنیای مجازی به افراد، فرصت تجربه شکل خاصی از ارتباطات اجتماعی را داده است که در آن، حضور اجتماعی واقعی وجود ندارد. در اینترنت و فضای مجازی، ارزشهای اجتماعی جدیدی ارائه می‌شود که به گروه‌ها و اجتماعات مجازی منحصر است. شبکه‌های اجتماعی^۱ مجازی، نسل جدیدی از وب سایتهای اینترنتی است که در آنها کاربران اینترنتی حول محور مشترکی به صورت مجازی دور یکدیگر جمع می‌شوند و جماعت‌های آنلاین را تشکیل می‌دهند (مولایی، ۱۳۸۹). جاذبه‌های موجود در شبکه‌های مجازی ممکن است به استفاده بیش از حد از آن بینجامد؛ فرایندی که به ایجاد آسیب اعتماد به اینترنت منجر خواهد شد. در صورت ابتلا به اعتماد اینترنتی، این اعتقاد وجود دارد که سرگرمیهای مجازی و فناوریهای نوین، عموماً به کاهش سرمایه اجتماعی، انزوا و بریدگی از مشارکتهای محسوس و عینی، تغییر روابط از اجتماعها و گروه‌های آشنا به اجتماعهای شبکه‌ای، گرایش به آموزش موزاییکی (بویژه در جوانان)، قطعه‌قطعه شدن افراطی سلیقه‌ها و خرده‌فرهنگها و در نتیجه توده‌وارسازی می‌انجامد (ذکایی، ۱۳۸۳: ۳)؛ بر این مبنای آثار این شبکه‌های مجازی، نفوذ به مرزهای فرهنگی و اجتماعی است. هنگامی که مهمترین منبع هویت‌یابی سنتی، متزلزل و نسبی شود، افراد وابسته به آن منبع، دچار بحران هویت و معنا^۲ می‌شوند (پترسون، ۱۹۹۹: ۷۹، به نقل از گل محمدی، ۱۳۸۱: ۲۴۱). تحلیلهای جامعه‌شناختی و پژوهشهای تجربی بیانگر این است که با ورود شبکه‌های اجتماعی مجازی به عنوان یکی از عناصر دنیای مدرن، علاوه بر حوزه‌های فردی و اجتماعی، خانواده نیز در معرض تغییر و تحولات شگرفی قرار گرفته است. رونالد اینگلهارت معتقد است گسترش رسانه‌های جمعی به تغییر ارزشهای نسلی در خانواده منجر شده است (یوسفی، ۱۳۸۰: ۴۲). امروزه به گونه آشکاری، الگوی «خانواده قدیمی»، دگرگون، و «خانواده جدید» متولد شده است. ظهور فناوریهای نوین ارتباطی در عصر حاضر و تحولاتی که در فضای مجازی به وجود آمده، بسیاری از کارکردهای خانواده را دچار اختلال کرده است (رحیمی، شکرپیگی، ساروخانی و حضرتی، ۱۳۹۶: ۱۴۶). استفاده روزافزون از اینترنت و فضای مجازی بتدریج فضای روانی و ارتباطی درون خانواده را خدشه دار می‌کند و

اعضای خانواده را به واگرایی سوق می‌دهد؛ در این صورت، اگرچه اعضای خانواده ظاهراً در فضای مشترکی زندگی می‌کنند، تعامل عاطفی و سازنده‌ای با یکدیگر ندارند. آمارها نشان می‌دهد که اعتیاد به اینترنت ممکن است به فروپاشی نظام خانواده، طلاق عاطفی و در نهایت طلاق قانونی بینجامد (گندمی، ۱۳۸۹: ۴۱).

بدیهی به نظر می‌رسد که در زمان گذشته، نهاد خانواده تنها نهاد کارگزار جامعه‌پذیری افراد به‌شمار می‌رفت؛ اما با توجه به تغییرات، و رشد فناوری و بروز پدیده نوظهوری چون اینترنت، ماهواره، رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی، شاهد پیدایش رقیبان جدیدی در کنار خانواده در زمینه جامعه‌پذیری افراد هستیم (نعیمی، ۱۳۹۰: ۱۹۲). اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و نرم‌افزارهای پیام‌رسان مرتبط با تلفنهای همراه هوشمند با خدمات مصنوعی که در اختیار کاربران خود قرار می‌دهند، موجب تأثیرگذاری بیشتر بر زندگی آنها، جامعه و رفتارهای اجتماعی می‌شود. در نتیجه افراد خانواده به‌جای ارتباط با یکدیگر، که به تقویت پیوندهای عاطفی و انسجام اعضای خانواده منجر می‌شود با ابزارهای الکترونیکی ارتباط برقرار می‌کنند؛ ارتباطی که بار عاطفی ندارد. به تعبیر فوکویاما به‌دلیل محدودیت اخلاق و کیفیت زندگی امروزی بتدریج شاهد فروپاشی بزرگی خواهیم بود و این فروپاشی، بیشتر در زمینه خانواده‌ها اتفاق خواهد افتاد (گنجی، نیازی و ملک‌پور شهرکی، ۱۳۹۴).

این واقعیت محض را همه احساس و درک می‌کنند که نهاد خانواده جامعه شهری امروز ایران بویژه شهر تهران در حال تغییر است. آمارهای رسمی نشان از درگیری بیش‌ازپیش خانواده‌ها با فناوریهای ارتباطی در ایران دارد به‌گونه‌ای که در دور افتاده‌ترین نقاط ایران هم استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، بدیهی به حساب می‌آید؛ اما تفاوتی که مصرف رسانه‌ای کلانشهرها با دیگر نقاط دارد در میزان زمانی است که افراد به‌استفاده از این رسانه‌ها اختصاص می‌دهند و نیز اموری که تنها از طریق فناوریهای ارتباطی مانند اینترنت یا موبایل فراهم می‌شود. امروزه کمتر خانواده‌ای را می‌توان یافت که اعضای آن ساعتی از وقت خود را صرف استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی نکند و رفتار و افکارشان تحت تأثیر آن قرار نگیرد. شبکه‌های اجتماعی مجازی، بخش اعظم زمان زوجین جوان را به خود اختصاص داده و به‌دلیل گستردگی و ناشناخته ماندن آن، آسیبهای اجتماعی چندی را بر خانواده‌ها وارد کرده است؛ از این‌رو شناخت عواملی که سبب تغییر کارکردهای خانواده شده، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است (شکر بیگی، ۱۳۹۶). از سویی رشد طلاق در کلانشهر تهران حائز اهمیت است؛ تحولات و دگرگونیهای ساختار خانواده شهری و

تأثیر آن بر زندگی روزمره انسانها، خانواده جدید را در مسیر نیازهای تازه‌ای قرار داده است که برآورده شدن آنها همواره امکان ندارد. تأثیر فناوریهای جدید، رسانه‌ها و تحرک اجتماعی در جامعه شهری، مشکلات عمده‌ای نظیر مسئله طلاق را عادی می‌سازد. در فضای جامعه شهری، انسانها در گذر از ساخت سنتی به ساخت جدید با سرگردانی و حیرانی در ارزشها و هنجارها روبه‌رو هستند؛ این حالت، نگرش شهرنشینان را نسبت به طلاق آسانگیرانه‌تر می‌کند (اسحاقی و همکاران، ۱۳۹۱).

با توجه به آنچه بیان شد به نظر می‌رسد بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و طلاق عاطفی در رابطه‌ای هست؛ لکن در مطالعات علمی ایران به موضوع طلاق عاطفی به‌عنوان بعد پنهان طلاق زوجین از زاویه تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی کمتر توجه شده است؛ از این‌رو به تحقیقاتی پرداخته شده است که نزدیکی با موضوع مورد بررسی ارتباط دارد.

کفاشی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیرات اینترنت بر ارزشهای خانواده» با استفاده از روش پیمایش نشان داده است که بین متغیرهای مستقل تحقیق شامل دسترسی به اینترنت، میزان وابستگی به اینترنت، نوع استفاده از محیط تعاملی اینترنت، پذیرفته شدن در این محیط تعاملی و متغیر وابسته ارزشهای خانواده رابطه‌ای معکوس برقرار است. نعیمی (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «تأثیر تعامل خانواده و ماهواره در بروز پدیده طلاق» نشان داده است که تأثیر رسانه‌ای چون ماهواره در ایجاد ارزشهای مدرن در زوجین و تأثیر خانواده در پیدایش ارزشهای سنتی بین آنها بوده است؛ هم‌چنین نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که برای ایجاد توازن در ارزشهای مسلط در زوجین و جلوگیری از تغییرات ناگهانی و یا تضاد ارزشی بین آنها باید تعاملی سنجیده بین این دو بال مهم جامعه‌پذیری صورت پذیرد. سعادت و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی میزان تأثیر استفاده از فضای مجازی بر ارزشهای خانواده» به این نتیجه دست یافتند که ارزشهای خانوادگی در میان افرادی که از فضای مجازی استفاده می‌کنند و افرادی که استفاده نمی‌کنند، متفاوت است. این ارزشها در میان استفاده‌کنندگان از فضای مجازی، متناسب با طول زمان استفاده (روزانه، هفتگی، ماهانه) متفاوت است. هم‌چنین ارزشهای خانوادگی افرادی که از فضای مجازی استفاده می‌کنند با توجه به نوع استفاده از این فضا متفاوت است. گنجی، نیازی و شهرکی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «تأثیر اعتیاد به فناوریهای نوین ارتباطی بر از هم گسیختگی خانوادگی در شهر کرد» به بررسی و تبیین رابطه اعتیاد به وسائل ارتباطی نوین و از هم گسیختگی خانوادگی با استفاده از متغیرهای واسط پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که بین اعتیاد به فناوریهای نوین

ارتباطی و تمایل به دوستی خارج از چهارچوب خانواده، گرایش به غرب، تضعیف ارزشها و کاهش دینداری، افزایش احساس بیگانگی اجتماعی و بی‌هویتی در جامعه رابطه مستقیمی وجود دارد و با افزایش هر یک از این متغیرهای واسطه، میزان از هم گسیختگی خانوادگی افزایش می‌یابد.

در مطالعات خارج از ایران نیز بررسی مستقلی با موضوع تأثیر فضای مجازی بر طلاق عاطفی زوجین یافت نشد و در بیشتر تحقیقات به آسیب‌شناسی استفاده از فناوریهای نوین ارتباطی بر کیفیت روابط خانوادگی و میزان رضایت زناشویی زوجین پرداخته شده است. مائو و راگرام^۱ (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان «خیانت آنلاین، چالش جدیدی در ازدواج» به بررسی خیانت آنلاین در فضای مجازی و اثر منفی آن بر روابط زناشویی و سلامت روانی زوجین پرداخته‌اند. یافته‌های این تحقیق ضمن بررسی عواملی که به خیانت آنلاین در زوجین منجر می‌شود به اهمیت درمان روابط زناشویی و بازسازی اعتماد زناشویی می‌پردازد. ون لی و همکاران^۲ (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «عوامل خانوادگی در اعتیاد اینترنتی در جوانان چینی» نشان دادند که اعتیاد اینترنتی در جوانان چینی گرایش رو به رشدی دارد. یافته‌های این تحقیق حاکی است که ویژگیهای جمعیت‌شناختی و رفتارهای روانی، اجتماعی و روانشناختی با استفاده از اینترنت و اعتیاد اینترنتی در ارتباط است؛ هم‌چنین جوانانی که اعتیاد اینترنتی دارند، خانواده‌های نامنجم و ناسازگاری دارند به‌صورتی که در این قبیل خانواده‌ها تعارضات بین زوجین و بین والدین و فرزندان بیشتر، و از سویی آمار طلاق در این خانواده‌ها بیشتر است. هند و همکاران^۳ (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «فیس‌بوک و روابط عاشقانه، صمیمت و رضایت در زوجین کاربر شبکه‌های مجازی آنلاین»، متغیر صمیمیت را متغیر واسطه در استفاده از شبکه‌های مجازی آنلاین و متغیر رضایت زناشویی عنوان کرده‌اند. مک دانیل و کوئن^۴ (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای به‌بررسی دخالت فناوری در روابط زوجین و پیامدهای این مداخلات در روابط خصوصی زنان پرداخته‌اند. یافته‌های آنها نشان داد زنان متأهلی که بیشتر از فناوریهای نوین (فضای مجازی، تلفن‌های هوشمند و تلویزیون) استفاده می‌کنند، تعارض بیشتر و رضایت کمتری از روابط خود دارند. نتایج این بررسی نشان داده است که تأثیر مداخلات این فناوریها در زنان تحت بررسی به وقفه در تعاملات زناشویی منجر، و این

1. Mao & Raguram
2. Li et al.
3. Hand et al.
4. McDaniel & Coyne

موضوع به کاهش صمیمیت در زوجین منجر می‌شود. لی و همکاران^۱ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه میان زندگی پرتنش و اعتیاد اینترنتی در بالغین با بررسی نقش میانجی نیازهای روانشناختی رضایت و نقش تعدیل‌کننده سبکهای مقابله‌ای» نشان دادند، داشتن زندگی همراه با تنش در زوجین، ارتباط مثبت و معنی‌داری با اعتیاد اینترنتی دارد. متغیر رضایت زناشویی نقش واسطه‌ای و متغیر سبک مقابله نقش تعدیل‌کننده را در این رابطه دارد؛ بدین صورت زوجینی که سطوح بالاتری از سبکهای مقابله‌ای دارند، این رابطه را تضعیف می‌کنند.

در جمع‌بندی پیشینه تحقیق می‌توان گفت اغلب تحقیقات با نگاه آسیب‌شناختی استفاده از فناوریهای نوین ارتباطی (شبکه‌های اجتماعی مجازی) انجام، و به مواردی چون اعتیاد اینترنتی، بحران ارزشها، وقفه در تعاملات خانوادگی، انزوای اجتماعی، کاهش اعتماد و صمیمیت زناشویی اشاره شده است. در این تحقیق علاوه بر توجه به جنبه‌های آسیب‌شناختی، گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی، منشأ آسیبهای اجتماعی را صرفاً به استفاده از فضای مجازی کاهش نداده است بلکه سعی شده است با تلفیق رویکردهای مختلف و ترکیب نظریات حوزه جامعه‌شناسی خانواده و ارتباطات، تبیین درست و الگویی مناسب به‌منظور بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر طلاق عاطفی زوجین در شهر تهران فراهم آورد. ذکر این نکته ضروری است که طلاق عاطفی در زوجین مسئله‌ای پیچیده و چندبعدی است و این پژوهش مدعی نیست که همه این تأثیرات را سنجش کرده بلکه زمینه‌ای را برای پژوهشگران حوزه خانواده قرار داده است تا دیگر ابعاد را مورد بررسی قرار دهند. با توجه به این پیشینه تحقیقاتی، این تحقیق به‌دنبال پاسخگویی به این سؤال است که استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی چگونه و تحت چه فرآیندی بر طلاق عاطفی تأثیرگذار است. در ادامه و در تبیین پاسخ به این سؤال، محقق از نظریات ذیل استفاده کرده است:

چارچوب نظری این تحقیق به‌صورت ترکیبی و بر نظریه نظام اجتماعی^۲ و کارکردگرایی ساختی^۳ تالکوت پارسونز^۴ مبتنی است. انگاره اصلی این نظریه، ناظر بر کارکردها و فعالیتهای ضروری برای حفظ جامعه یا گروه‌های اجتماعی است. هم‌چنین با مبنا قرار دادن این نظریه و در راستای تبیین موضوع و رسیدن به الگوی نظری منسجم، ترکیبی از دیدگاه‌ها و نظریات در دو حوزه جامعه‌شناسی خانواده و ارتباطات استفاده شده است.

1. Li et al.
2. Society system Theory
3. Structural Functionalism
4. Talcott Parsons

پارسونز دو کارکرد اساسی برای خانواده (هسته‌ای) قائل شده است: ۱. کارکرد اجتماعی کردن کودکان ۲. کارکرد شکوفایی و ثبات شخصیت بزرگسالان. وی اشاره می‌کند که این دو کارکرد تنها در روابط صمیمی و محبت‌آمیز خانواده امکانپذیر است (اعزازی، ۱۳۸۹: ۱۷۴). کارکرد تثبیت شخصیت بزرگسالان، که پارسونز با بهره‌گیری از اصول روانکاوی، آن را یکی از دو کارکرد مهم هر خانواده و بسان سپری در رویارویی با فشارهای روانی روزمره دانسته است، فقط در وضعیت عاطفی مطلوب میان زن و مرد به وجود می‌آید و باعث قوام و همبستگی زندگی زوجین می‌شود (بستان، ۱۳۸۹: ۲۳۰). به عقیده پارسونز در جوامع صنعتی پیشرفته و به نوعی تحت تأثیر فناوریهای جدید، رسانه‌های مجازی و رواج و انتشار گسترده آن در جامعه شهری، خانواده تمام کارکردهای اجتماعی خود را از دست داده و به خانواده‌ای منزوی تبدیل شده است و در عین حال دیگر کارکردهای آن مانند کارکردهای اقتصادی، تعلیم و تربیتی، خدماتی و محافظتی نیز به نهادها و سازمانهای اجتماعی دیگر واگذار شده است؛ در نتیجه، خانواده تمام عملکردهای تولیدی، سیاسی و دینی خود را از دست داده و تنها به واحد سکونت و مصرف مبدل شده است (سگالن، ۱۳۸۵: ۸۸)؛ از این رو فرض نظری تحقیق این است که تحت تأثیر موقعیت اجتماعی موجود در جامعه، خانواده سنتی ایرانی، برخی کارکردهای خود را از دست داده و یا کارکردهای آن تغییر کرده و تعادل ساختاری آنها با چالش روبه‌رو شده است. براساس نظریه نظام اجتماعی و کارکردگرایی پارسونز عوامل تأثیرگذار و زمینه‌ساز در طلاق عاطفی را در نبود هر یک از چهارکرد اصلی خانواده می‌توان تبیین کرد:

۱. وقتی کارکرد سازگاری و انطباق^۱ خانواده با محیط اجتماعی با چالش روبه‌رو شود؛ این مورد را می‌توان هم در زمینه مادی و هم در زمینه هنجاری نظام خانواده بررسی کرد. بر این اساس و طبق نظریه ایده‌آلیستی^۲ (تغییر در ارزشهای فردی)، توسعه رسانه‌ها (مجازی) - به‌عنوان یکی از نمادهای ورود به جامعه مدرن و صنعتی - به انتشار یا گسترش نظام ارزشی کمک می‌کند که خواهان نوآوری، تحرک، موفقیت و مصرف است (مک کوئیل^۳، ۱۳۸۲). هم‌چنین رسانه‌ها موجب پدیده «تحرک روانی» و نیز «بیگانگی عاطفی»^۴ می‌شوند (روشه، ۱۳۶۶). از نظر لرنر^۵ رسانه‌ها با

-
1. Adaptation
 2. Idealist Theory
 3. McCowail
 4. Emotional Alienation
 5. Daniel Lerner

افزایش سطح توقعات و انتظارات در پیامگیران به تضعیف سنتها و ارزشهایی کمک می‌کنند که به‌عنوان مانع بر سر راه مدرنیسم قرار دارند (خجیر و حسین‌نظر، ۱۳۹۲)؛ از این‌رو چنانچه خانواده نتواند از لحاظ مادی و معیشتی خود را حفظ کند و یا در رابطه با دیگر نهادهای جامعه تنش‌دار شود (نظیر فشار نهادهای دیگر جامعه برای حذف کارکردهای آن)، نظام خانواده سست می‌شود و آمادگی طلاق افزایش می‌یابد.

۲. زمانی که خانواده در کارکرد دستیابی به هدف با مشکل روبه‌رو شود و خانواده نتواند به اهداف مطلوب دست یابد؛ این امر زمانی محقق می‌شود که خانواده نتواند تواناییها و نیروهایش را در رسیدن به اهداف تعیین شده برای آن بسیج کند. از مهمترین اهداف خانواده، دستیابی به رضایت رابطه‌ای است. براساس نظریه صمیمیت، پنج عنصر اصلی برای رسیدن به رضایت رابطه‌ای عبارت است از: ساختار زمان گذران وقت با یکدیگر، حمایت اجتماعی و خودافشایی، راهبرد حل مسئله، شباهت زوجین، ادراکات زوجین (Mashek & Sherman, 2008: 344) به نقل از Sanderson, 2008: 250). از سویی براساس نظریه وابستگی، اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی به دلیل اینکه کاربر وقت بسیار زیادی را صرف استفاده از این رسانه می‌کند، تمام گفتگوهای خانوادگی، روابط عاطفی و صمیمیت را از دست می‌دهد و دیگر خود را با افراد خانواده بیگانه احساس می‌کند. بال روکیچ و دی فلورا^۱ استدلال می‌کنند که هر قدر وابستگی مخاطب به یک پیام بیشتر باشد، میزان تأثیر رسانه بر رفتار و نگرش مخاطب نیز افزایش می‌یابد. در واقع این وابستگی در افراد نوعی انفعال و اعتیاد به وجود می‌آورد به گونه‌ای که نمی‌توانند در مقابل پیام، واکنشی نشان دهند (سورین و تانکارد^۲، ۱۳۸۸). مواردی مانند نبود صمیمیت، اعتماد و وقفه در تعاملات زوجین می‌تواند خانواده را از رسیدن به اهداف مورد نظر دور کند. وقتی کارکردهای زیستی، اجتماعی، شناختی و عاطفی در خانواده یکی پس از دیگری آسیب ببیند، اعضای آن بتدریج احساس رضایتمندی خود را از دست می‌دهند. کاهش تدریجی رضایتمندی در روابط اعضای خانواده ابتدا موجب گسست روانی و عاطفی و سپس اجتماعی و درنهایت واقعه حقوقی می‌شود که طلاق نام دارد.

۳. وقتی کارکرد یگانگی و انسجام خانواده^۳ دچار اختلال شود، این مسئله هنگامی ظاهر

1. Sandra Ball-Rokeach & Melvin DeFlour
2. Severin & Tankard
3. Integration

می‌شود که قوانین حقوقی و ضوابط هنجاری خانواده ضمانت اجرای خود را از دست می‌دهد. در جریان گذار، افزایش ارتباطات و نفوذ اینترنت و تأثیر جهانی شدن، تغییرات قابل توجهی در طرز فکر افراد بروز پیدا کرده است. یکی از این تغییرات فرهنگی، فرایند «بازاندیشی سنت» است که در بسیاری موارد به تغییرات ارزشی گسترده در حوزه خانواده و مناسبات آن انجامیده است. بازاندیشی در باب سنت و ارزشهای پیشین جامعه یکی از مهمترین پیامدهای مدرنیته است که با فرایند جهانی شدن نیز تشدید شده است. به تعبیر گیدنز^۱، تضاد با سنت معادل مدرنیته است و این تضاد با فرایند بازاندیشی^۲ به وجود می‌آید. در این دوره، تأیید عملکردها دیگر با ضمانت سنت کارایی نخواهد داشت (گیدنز، ۱۳۷۷: ۴۴). امروزه ازدواج برخلاف گذشته که هدف بود، بیشتر وسیله است؛ وسیله‌ای برای رسیدن به خوشبختی و بهبود کیفیت زندگی؛ از این رو، هنجار غالب امروزی این است که ازدواج ارضاکننده باشد نه اینکه بر اثر الزام اجتماعی و ضرورت‌های اقتصادی صورت گیرد و دوام یابد؛ لذا امروزه پایان دادن به ازدواجی که کارایی ندارد، انتخاب شخصی بسیاری از افراد است (چیل، ۱۳۸۸: ۱۱۳)؛ در این صورت و با بروز چنین تغییراتی، باید منتظر اختلاف در خانواده و افزایش احتمال طلاق عاطفی و سپس طلاق واقعی بود.

۴. هنگامی که نظام الگوهای فرهنگی^۳ خانواده آسیب می‌بیند و از ایجاد الگوها و انگیزه‌های لازم حفظ و بقای نظام خانواده باز می‌ماند. کاستلز در نظریه جامعه اطلاعاتی^۴ معتقد است شبکه اینترنت و ارتباط به واسطه رایانه، امکان تغییر شکل تاروپود را فراهم می‌آورد (هیو و همکاران، ۱۳۸۶). از سوی دیگر مطابق با نظریه امپریالیسم فرهنگی^۵، یکی از اهداف رسانه‌ها جایگزینی مفاهیم غربی و ارزشهای جوامع سرمایه‌داری و محافل امپریالیستی به جای ارزشهای سنتی نظیر اعتقادات، ایمان و سبک زندگی است (خجیر و حسین‌نظر، ۱۳۹۲). هم‌چنین براساس نظریه بحران ارزشها در جوامع در حال گذار، که در اثر تغییر و دگرگونیهای سریع اجتماعی به وجود می‌آیند، ارزشهای دیروز از محدوده عناصر نوین و مقبول امروزی خارج می‌شود. هر چقدر این تغییرات و تحولات سریعتر باشد، تضاد و جابه‌جایی ارزشها چشمگیرتر خواهد بود. در فرایند بحران ارزشها، جامعه بر لذت‌طلبی، تمتع آنی، مصلحت‌گرایی فردی، سودگرایی، ماده‌گرایی و ابزارگرایی استوار

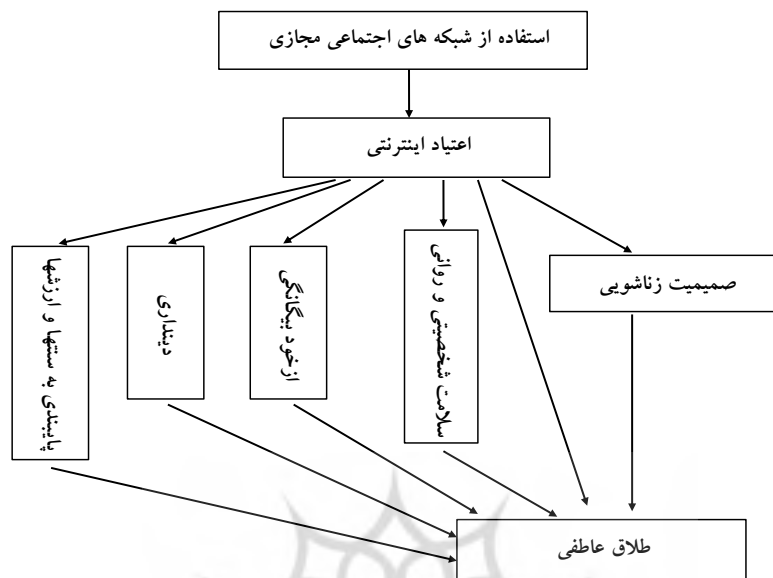
1. Anthony Giddens
2. Reflexivity
3. Pattern maintenance
4. Theories Of The Information Society
5. Cultural imperialism

می‌شود و انسانها همه چیز را در چارچوب امور مادی و حتی جسمانی خلاصه می‌کنند. در چنین حالتی، که روابط انسانی از بعد معنوی تهی، و بسیار سست، آسیب‌پذیر و شکننده می‌شود؛ روابط زناشویی نیز از این قاعده مستثنی نیست و آمار طلاق روزبه‌روز افزایش می‌یابد (ستوده و دیگران، ۱۳۸۶: ۸۶ - ۸۷). اودری^۱ کاهش پایبندی نسبت به ارزشهای مذهبی و دینی را در افزایش طلاق مؤثر می‌داند و به نقش دین به‌عنوان عاملی در راه جلوگیری از طلاق اشاره می‌کند. با تضعیف ایمان و عدم پایبندی دینی در بیشتر افراد و تغییر ارزشها، میزان طلاق در جامعه افزایش می‌یابد (Udry.R, 1971: 456)؛ از این رو کاهش دینداری می‌تواند از عوامل افزایش دهنده طلاق عاطفی در خانواده باشد به این معنا که دینداری و پایبندی نسبت به ارزشهای مذهبی و دینی می‌تواند انگیزه‌های لازم را برای بقای خانواده و حفظ الگوهای فرهنگی مناسب آن در زوجین فراهم سازد.

جدول ۱. نظریات اساسی و مورد استفاده چارچوب نظری تحقیق

نظریه ایده‌آلیستی	۱. سازگاری و انطباق	نظریه کارکردگرایی خانواده	نظریه نظام اجتماعی و کارکردگرایی ساختی پارسونز
نظریه صمیمیت	۲. دستیابی به هدف		
نظریه وابستگی	۳. یگانگی و انسجام خانواده		
نظریه بازاندیشی	۴. نظام الگوهای فرهنگی		
نظریه جامعه اطلاعاتی			
نظریه امپریالیسم فرهنگی			
نظریه بحران ارزشها			

براساس آنچه در نظریه کارکردگرایی ساختی پارسونز به‌عنوان مبنای چارچوب نظری این تحقیق و ترکیب نظریه‌های «ایده‌آلیستی»، «وابستگی»، «صمیمیت»، «بازاندیشی»، «جامعه اطلاعاتی»، «امپریالیسم فرهنگی» و «بحران ارزشها» بیان شد؛ الگوی عملی این پژوهش به‌صورت ذیل قابل نمایش است که شامل تأثیر متغیرهای واسط است:



شکل ۱. الگوی نظری محقق درباره فرایند تأثیرگذاری اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی بر طلاق عاطفی با بررسی متغیرهای واسط (صمیمیت زناشویی، سلامت شخصیتی و روانی، از خود بیگانگی، دینداری و پایبندی به سنتها و ارزشها)

مطابق با این چارچوب نظری و الگو، فرضیه‌های ذیل استخراج شد:

۱. اعتیاد به شبکه‌های مجازی بین زوجهای مورد بررسی وجود دارد.
۲. اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی به طلاق عاطفی در زوجین منجر می‌شود.
۳. اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی کاهش پایبندی زوجین به سنتها و ارزشها را موجب می‌شود.
- ۳-۱. کاهش پایبندی به ارزشها و سنتها به طلاق عاطفی در زوجین می‌انجامد.
۴. اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی به کاهش میزان دینداری در زوجین منجر می‌شود.
- ۴-۱. کاهش میزان دینداری به طلاق عاطفی در زوجین منجر می‌شود.
۵. اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی به افزایش احساس از خود بیگانگی در زوجین می‌انجامد.

- ۵-۱. افزایش میزان از خود بیگانگی به افزایش طلاق عاطفی در زوجین می‌انجامد.
۶. اعتیاد به شبکه‌های مجازی کمرنگ شدن صمیمیت زناشویی را در پی دارد.

- ۶- ۱. کم‌رنگ شدن صمیمیت زناشویی به طلاق عاطفی در زوجین می‌انجامد.
 ۷. اعتیاد به شبکه‌های مجازی کاهش میزان مطلوبیت در سلامت شخصیتی و روانی زوجین را به دنبال دارد.
 ۷- ۱. کاهش سلامت روانی و شخصیتی، افزایش طلاق عاطفی در زوجین را موجب می‌شود.
 ۸. طلاق عاطفی در زوجین تابعی از انواع، اهداف و میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی است.

روش

روش این تحقیق، پیمایشی و از نوع توصیفی و تبیینی است. جامعه آماری شامل تمام ساکنان متأهل در سطح شهر تهران هستند که براساس نتایج آخرین سرشماری کشور در سال ۱۳۹۵ تعداد این افراد ۶/۲۸۴/۴۲۲ نفر برآورد شده است. به منظور تعیین حجم نمونه از فرمول «کوکران» استفاده شده است که برای نمونه‌گیری معرف در جوامع بزرگ مطرح می‌شود. محاسبات با شرایط ذیل صورت گرفته است:

n : نشان‌دهنده حجم نمونه

N : حجم جمعیت آماری

t : درصد خطای معیار ضریب اطمینان قابل قبول

p : نسبتی از جمعیت دارای صفت معین

$q = p - 1$: نسبتی از جمعیت فاقد صفت معین

d : ضریب اطمینان یا دقت احتمالی مطلوب

$$n = \frac{Nt^2 pq}{Nd^2 + t^2 pq} = \frac{6284422 \times (1/96)^2 \times 0.5 \times 0.5}{6284422 \times (0.5)^2 + (1/96)^2 \times 0.5 \times 0.5} \cong 384$$

بر این اساس ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه محاسبه شده است؛ لیکن به منظور افزایش روایی و پایایی تحقیق، حجم نمونه به ۴۰۳ نفر (۲۴۹ زن و ۱۵۴ مرد) افزایش یافت. روش نمونه‌گیری نیز نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مرحله‌ای است. ابتدا نواحی چندگانه به عنوان خوشه‌های جامعه آماری انتخاب، و سپس به سه ناحیه بالا، متوسط و پایین تقسیم، و از بین هر ناحیه، یک منطقه به شیوه تصادفی ساده انتخاب شد و پرسشنامه‌ها برای تکمیل در اختیار تمام خانوارهایی با زوج یا زوجه با

شرایط مورد نظر قرار گرفت. به منظور جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد؛ هم‌چنین به منظور اندازه‌گیری و سنجش متغیرهای اصلی تحقیق از پرسشنامه‌های استاندارد شده معتبر نیز الگوبرداری شده است. این پرسشنامه شامل دو بخش است که بخش اول به بررسی و اندازه‌گیری متغیرهای جمعیتی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی آزمودنیها اختصاص یافته و در بخش دوم به بررسی متغیرهای اصلی تحقیق (شامل نوع، میزان و اهداف استفاده از شبکه‌های مجازی، اعتیاد به شبکه‌های مجازی، صمیمیت، از خود بیگانگی، دینداری، پابندی به سنتها و ارزشها، سلامت شخصیتی و روانی و طلاق عاطفی) پرداخته است. سؤالات پرسشنامه براساس نوع سؤال در سطوح مختلف اسمی، ترتیبی و فاصله‌ای و سؤالات مرتبط با اندازه‌گیری متغیرهای اصلی با تکیه بر مقیاس لیکرت پنج گزینه‌ای طراحی شده است. برای اعتبار ابزار تحقیق از دو روش استفاده شده است: ۱. سنجش اعتبار صوری: در این تحقیق روایی صوری به کمک دیدگاه‌های استادان راهنما و مشاور و متخصصان حوزه پژوهش به دست آمده است. ۲. اعتبار سازه: به منظور سنجش اعتبار سازه در این تحقیق، بارهای عاملی در الگوسازی با استفاده از نرم‌افزار AMOS گردآوری و در جدول ذیل آورده شده است. از آنجا که تمامی بارهای عاملی از ۳۰ درصد بیشتر است، تمامی شاخصها معتبر است.

جدول ۲. محاسبه اعتبار سازه مفاهیم تشکیل‌دهنده الگوی نظری تحقیق

شماره گویه	بارعاملی	شاخص	شماره گویه	بارعاملی	شاخص
۴	۰/۴۳	از خود بیگانگی	۱۱	۰/۷۶	ادامه طلاق عاطفی
۳	۰/۷۹		۱۲	۰/۷۲	
۲	۰/۸۵		۱	۰/۹۱	
۱	۰/۶۵		۲	۰/۸۳	
۱	۰/۷۹	دینداری	۳	۰/۸۸	دینداری
۲	۰/۷۴		۴	۰/۸۲	
۳	۰/۷۰		۵	۰/۶۸	
۴	۰/۷۷	اعتیاد اینترنتی	۵	۰/۶۰	سلامت روانی
۵	۰/۷۸		۴	۰/۶۵	
۶	۰/۶۹		۳	۰/۷۲	
۷	۰/۷۶		۲	۰/۵۹	
۸	۰/۸۰		۱	۰/۳۴	
۹	۰/۷۵		۱	۰/۷۳	
۱۰	۰/۷۴	۲	۰/۵۶	پابندی نسبت به سنتها	

ادامه جدول ۲. محاسبه اعتبار سازه مفاهیم تشکیل دهنده الگوی نظری تحقیق

شماره گویه	بارعاملی	شاخص	شماره گویه	بارعاملی	شاخص
۳	۰/۷۶	پایبندی نسبت به سنتها	۱	۰/۶۹	طلاق عاطفی
۴	۰/۸۹		۲	۰/۷۶	
۵	۰/۹۳		۳	۰/۶۸	
۶	۰/۷۵		۴	۰/۶۸	
۱	۰/۴۶	صمیمیت	۵	۰/۵۳	
۲	۰/۶۳		۶	۰/۸۲	
۳	۰/۶۵		۷	۰/۶۷	
۴	۰/۶۰		۸	۰/۶۶	
۵	۰/۷۱		۹	۰/۷۰	
۶	۰/۷۳		۱۰	۰/۷۷	

به منظور سنجش پایایی ابزار تحقیق هم از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که پس از توزیع پرسشنامه در میان نمونه آماری و گردآوری داده‌ها، ضریب آلفای کرونباخ به صورت کلی و در ابعاد پژوهش طبق جدول ۳ محاسبه شد.

جدول ۳. محاسبه مقدار آلفای کرونباخ پرسشنامه و ابعاد آن

مقدار آلفای کرونباخ	تعداد گویه‌ها	مقیاسها
۰/۷۲	۴	از خود بیگانگی
۰/۷۵	۵	دینداری
۰/۸۱	۱۰	اعتیاد اینترنتی
۰/۸۸	۵	سلامت روانی
۰/۸۲	۶	پایبندی نسبت به سنتها
۰/۷۹	۱۲	طلاق عاطفی
۰/۸۶	۶	صمیمیت
۰/۸۳	۶۳	کل پرسشنامه

با توجه به اینکه آلفا از ۰/۷۰ بیشتر است، می‌توان گفت در تمامی ابعاد، ابزار پایا، و مناسب تجزیه و تحلیل است. شایان ذکر است که پایایی برای سؤالات جمعیت‌شناختی محاسبه نمی‌شود و تنها سؤالاتی قابل بررسی است که بیشتر جنبه نظرسنجی و نگرش‌سنجی دارد. هم‌چنین به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

یافته‌ها

نتایج توصیفی

توصیف متغیرهای جمعیت‌شناختی

در تحقیق، ۶۲ درصد پاسخگویان زن (۲۴۹ نفر) و ۳۸ درصد دیگر نیز مرد (۱۵۴ نفر) بودند. کمترین فراوانی به پاسخگویان ۱۸ تا ۲۳ سال (کمتر از یک درصد) و بیشترین فراوانی به پاسخگویان ۳۰ تا ۳۵ سال (۴۸ درصد) تعلق داشت. در مورد طول زندگی مشترک، کمترین فراوانی به زیر یک سال (۲ درصد) و بیشترین فراوانی (۵۵ درصد) به پاسخگویانی با بیش از شش سال زندگی مشترک متعلق بود. بیشتر پاسخگویان یعنی ۴۴ درصد (۱۷۹ نفر) یک فرزند و کمتر از یک درصد (۲ نفر) نیز بیشتر از چهار فرزند داشتند. ۲ درصد (۱۰ نفر) پاسخگویان دیپلم و بیشتر پاسخگویان یعنی ۵۸ درصد (۲۳۵ نفر) ارشد و دکتری بودند. براساس وضعیت اشتغال، بیشتر پاسخگویان یعنی ۷۳ درصد (۲۹۶ نفر) کارمند معمولی، و کمتر از یک درصد پاسخگویان، تاجر و یا بازنشسته بودند. براساس میزان درآمد ماهانه، ۲ درصد پاسخگویان (۱۰ نفر) کمتر از یک میلیون تومان و بیشتر پاسخگویان (۵۱ درصد) بین دو تا سه میلیون درآمد داشتند. براساس وضعیت مالی، تنها ۱ درصد پاسخگویان (۳ نفر) وضعیت مالی خود را خیلی بد و بیشتر پاسخگویان (۶۹ درصد) وضعیت خود را متوسط ارزیابی کرده‌اند.

در تحلیل یافته‌های جمعیت‌شناختی تحقیق می‌توان گفت مقادیر این متغیرها مؤید افزایش سن ازدواج در کلانشهر تهران، کاهش میزان باروری و تمرکز بیشتر جمعیت متأهل و در گروه سنی بالقوه فعال در راستای رشد و توسعه مادی و اقتصادی است. هم‌چنین چون اغلب پاسخگویان در این نمونه زنان هستند، گرایش بیشتر زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت فعال کشور به تحصیلات دانشگاهی در سالهای اخیر و فراهم شدن فرصتهای شغلی بیشتر بویژه در کلانشهرها، می‌تواند تأییدکننده افزایش سن ازدواج، کاهش فرزندآوری و از سویی تمرکز این جمعیت تأثیرگذار بر رشد فردی و داشتن فعالیت اقتصادی هم‌تراز با مردان باشد.

توصیف متغیرهای اصلی تحقیق

از ترکیب چهار مؤلفه میزان تحصیلات، نوع شغل، میزان درآمد و وضعیت مالی خانواده، شاخص پایگاه اجتماعی و اقتصادی^۱ ساخته شده است. براین اساس و با توجه به مقادیر جدول ۴

۱. برای آزمون فرضیات مرتبط با این شاخص از مقدار کمی و شاخص اصلی و نه متغیر سطح‌بندی شده، استفاده شد.

بیشترین پاسخگویان (۶۰ درصد) در نمونه مورد بررسی دارای پایگاه اقتصادی و اجتماعی بالا، و کمترین (۳/۲ درصد) دارای پایگاه اقتصادی و اجتماعی پایین بودند.

جدول ۴. توزیع فراوانی پایگاه اجتماعی و اقتصادی پاسخگویان

متغیر	سطوح	فراوانی	درصد
پایگاه اجتماعی و اقتصادی	پایین	۱۳	۳/۲
	متوسط	۱۴۸	۳۶/۷
	بالا	۲۴۲	۶۰
	کل	۴۰۳	۱۰۰

این ارقام بیان می‌کند که متناسب با فرایند جهانی شدن و نیز دسترسی به فناوریهای ارتباطات و اطلاعات بویژه اینترنت در شهرهای بزرگ، شاهد تغییراتی در حوزه اقتصادی، اجتماعی و در پی آن فرهنگی خواهیم بود که یکی از مهمترین آنها از بین رفتن سلسله‌مراتب اقتدار و لایه‌لایه شدن جامعه است؛ این روند به فراهم‌سازی فرصتهای جدید برای کسب دانش، اشتغال و دستیابی به رفاه و رشد اقتصادی در اکثریت جمعیت بالقوه فعال جامعه منجر شده است.

برای آشنایی با وضعیت پاسخگویان درباره استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی در ابتدا نوع شبکه‌های اجتماعی مورد استفاده آنها در شبکه‌های فیس‌بوک، توئیتر، اینستاگرام، کلپ، فیس‌نما، تلگرام، واتساپ و دیگر گزینه‌ها، مورد پرسش قرار گرفت.

جدول ۵. توزیع فراوانی نوع شبکه‌های مجازی مورد استفاده پاسخگویان

نوع شبکه اجتماعی	فراوانی استفاده	درصد استفاده
تلگرام	۴۰۳	۱۰۰
اینستاگرام	۳۸۲	۹۴/۸
فیس‌بوک	۱۶۶	۴۱/۲
واتساپ	۱۲۱	۳۰
توئیتر	۳۳	۸/۲
فیس‌نما	۲	۰/۵
کلپ	۰	۰۰
سایر	۰	۰۰

براساس نتایج جدول ۵ مشخص شده است که پاسخگویان به ترتیب از شبکه‌های تلگرام (صددرصد)، اینستاگرام (۹۵ درصد)، فیس‌بوک (۴۱ درصد)، واتساپ (۳۰ درصد)، توئیتر (۸درصد) و فیس‌نما (کمتر از یک‌درصد) استفاده کرده‌اند. هم‌چنین هیچ کدام از پاسخگویان از کلوپ یا دیگر شبکه‌های اجتماعی استفاده نکرده‌اند؛ از این رو بیشترین مخاطب به شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام مربوط است. این مطلب بیان می‌کند که این دو شبکه اجتماعی ضمن ایجاد فناوری جذاب و فرامتنی و نیز دسترسی فراگیر و آسان برای کاربران، توانسته‌اند زمینه جدیدی را برای انواعی از تعاملات اجتماعی، ابراز عقاید و سبک زندگی، ارتباطات و مبادلات تجاری، اطلاع‌رسانی و افزایش تحرک اجتماعی افراد فراهم سازند؛ این در حالی است که شبکه‌های مجازی بومی فاقد چنین ویژگی‌هایی است.

جدول ۶. متوسط استفاده از شبکه‌های مجازی توسط پاسخگویان

متوسط استفاده از شبکه‌های مجازی	میانگین	انحراف معیار
در روز	۳/۳۶	۱/۴۱
در هفته	۲۳/۹۸	۱۰/۴۶
در ماه	۹۱/۱۲	۴۳/۹۶

براساس نتایج جدول ۶ نیز مشخص شد که پاسخگویان به‌طور میانگین ۳ ساعت در روز (با انحراف معیار ۱/۴۱)، ۲۴ ساعت در هفته (با انحراف معیار ۱۰/۴۶) و ۹۱ ساعت در ماه (با انحراف معیار ۴۳/۹۶) از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند.

در جدول ۷ توزیع فراوانی هدف پاسخگویان از استفاده شبکه مجازی در بخش‌های مختلفی همچون تعامل با دوست مخالف، تعامل با دوست همجنس، خرید و فروش اینترنتی، کسب اطلاعات و اخبار و تفریح، هیجان و سرگرمی آورده شده است.

جدول ۷. توزیع فراوانی هدف استفاده از شبکه‌های مجازی توسط پاسخگویان

	خیلی کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
تعامل با دوست مخالف	۲۸/۰۰	۱۴۴	۳۲/۰۰	۱۲۹	۳۰/۰۰	۱۷	۰/۰۰	۰
تعامل با دوست همجنس	۶/۲۰	۷۲	۴۱/۲۰	۱۶۶	۳۰/۵۰	۱۲۳	۴/۲۰	۱۷
خرید و فروش اینترنتی	۱/۰۰	۲۳	۵۱/۶۰	۲۰۸	۳۶/۷۰	۱۴۸	۵/۰۰	۲۰
کسب اطلاعات و اخبار	۰/۵۰	۱۲	۴۸/۱۰	۱۹۴	۳۷/۵۰	۱۵۱	۱۰/۹۰	۴۴
تفریح، هیجان و سرگرمی	۱/۰۰	۱۷	۳۹/۰۰	۱۵۷	۴۴/۲۰	۱۷۸	۱۱/۷۰	۴۷

بر اساس جدول مشخص است که در زمینه هدف استفاده از شبکه‌های مجازی، ۳۶ درصد پاسخگویان به میزان کم برای تعامل با دوست مخالف، ۴۱ درصد به میزان متوسط برای تعامل با دوست همجنس، ۵۲ درصد به میزان متوسط برای خرید و فروش اینترنتی، ۴۸ درصد به میزان متوسط برای کسب اطلاعات و اخبار و ۴۴ درصد به میزان زیاد برای تفریح، هیجان و سرگرمی از این شبکه‌ها استفاده می‌کنند؛ پس هدف اصلی آنها برای استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، تفریح، هیجان و سرگرمی و به میزان کمتر تعامل با دوست مخالف است.

در جدول ۸ میانگین و دیگر ویژگیهای آماری متغیرهای اصلی تحقیق، که محور الگوسازی نیز قرار گرفته، آورده شده است. از آنجا که سنجش این متغیرها با طیف لیکرت بوده است، میانگین آنها در بازه ۱ - ۵ محاسبه شده است. لازم به ذکر است چون تعداد گویه‌های هر متغیر با دیگری متفاوت بوده است با استفاده از دستور میانگین سازی، شاخصها ساخته شده است.

جدول ۸. محاسبه شاخصهای مرکزی و پراکندگی متغیرهای اصلی پژوهش

بیشینه	کمینه	واریانس	انحراف معیار	میانگین	
۴/۲۰	۱/۲۰	۰/۳۶	۰/۶۰	۲/۸۲	اعتیاد به فضای مجازی
۴/۸۰	۱/۸۰	۰/۵۳	۰/۷۳	۳/۶۶	دینداری
۴/۶۷	۱/۸۳	۰/۳۸	۰/۶۲	۳/۳۱	صمیمیت
۵/۰۰	۱/۲۵	۰/۵۶	۰/۷۵	۳/۴۲	ازخودبیگانگی
۵/۰۰	۲/۳۳	۰/۴۷	۰/۶۹	۳/۷۸	پایبندی نسبت به سنتها و ارزشها
۵/۰۰	۱/۴۰	۰/۴۱	۰/۶۴	۳/۳۷	سلامت شخصیتی و روانی
۴/۴۲	۱/۱۷	۰/۴۵	۰/۶۷	۸۴/۲	طلاق عاطفی

جدول ۸ نشان می‌دهد، میانگین اعتیاد به اینترنت ۲/۸۲ و در حد متوسط به پایین، دینداری ۳/۶۶ در حد بالا، صمیمیت ۳/۳۱ در حد متوسط، ازخودبیگانگی ۳/۴۲ در حد متوسط، پایبندی نسبت به سنتها و ارزشها ۳/۷۸ و در حد بالا، سلامت شخصیتی و روانی ۳/۳۷ و در حد متوسط و طلاق عاطفی نیز ۲/۸۴ و در حد پایین به دست آمده است. نکته حائز اهمیت در این یافته‌ها این است که علی‌رغم تحولات و دگرگونیهای ناشی از تأثیر فناوریهای ارتباطی و اطلاعاتی نوین همچون شبکه‌های اجتماعی مجازی بر ساختار خانواده شهری، کارکردهای خانواده در مواردی چون پایبندی نسبت به ارزشهای دینی و سنتهای خانوادگی به قوت خود باقی است.

نتایج تبیینی

سنجش روابط متغیرهای اصلی و بررسی اولیه فرضیات

قبل از ورود به بخشهای دیگر باید عادی بودن متغیرهای اصلی الگو بررسی شود. برای این کار از آزمون کولموگروف اسمیرنف استفاده شده است. در این آزمون اگر سطح معناداری از ۵ درصد بیشتر باشد، گوئیم متغیر عادی است. چون برای متغیرهای تحقیق، شاخص‌سازی صورت گرفته این متغیرها کمی و پیوسته است ولی عادی بودن آنها مشخص نیست.

جدول ۹. آزمون بررسی عادی بودن متغیرهای اصلی الگوی تحقیق

متغیرها	مقدار کولموگروف اسمیرنف	سطح معناداری
اعتیاد به فضای مجازی	۱/۳۱۳	۰/۰۶۴
دینداری	۲/۳۶۸	۰/۰۷
صمیمیت	۱/۲۵۲	۰/۰۸۷
ازخودبیگانگی	۱/۶۰۷	۰/۰۹۶
پایبندی نسبت به سنتها و ارزشها	۲/۲۱	۰/۰۸۸
سلامت شخصیتی و روانی	۱/۵۴۲	۰/۰۷۲
طلاق عاطفی	۱/۷۷۳	۰/۰۷۳

بر اساس جدول ۹ مشخص است که سطوح معناداری آزمون عادی بودن از ۵ درصد بیشتر است و بنابراین می‌توان گفت متغیرهای اصلی پژوهش عادی است. محقق می‌تواند از آزمونهای پارامتریک همچون پیرسون و مقایسه میانگین و الگوسازی استفاده کند.

با توجه به اینکه غالب فرضیات محقق به صورت رابطه‌ای است در ابتدا لازم است که روابط فرضیات بررسی شود. همان‌گونه که بیان شد، متغیرها عادی و کمی است؛ پس برای آزمون فرضیات از آزمون پیرسون استفاده شده است. جدول ۱۰ آزمون همبستگی پیرسون درباره رابطه متغیر اعتیاد به شبکه‌های مجازی و طلاق عاطفی، میزان پایبندی نسبت به سنتها و ارزشها، میزان دینداری، احساس ازخودبیگانگی در زوجین، صمیمیت زناشویی زوجین و سلامت شخصیتی و روانی زوجین را نشان می‌دهد.

جدول ۱۰. بررسی آزمون پیرسون درباره رابطه اعتیاد به شبکه‌های مجازی و طلاق عاطفی، میزان پایبندی نسبت به سنتها و ارزشها، میزان دینداری زوجین، احساس از خود بیگانگی در زوجین، صمیمیت زناشویی زوجین و سلامت شخصیتی و روانی زوجین

آماره‌های بررسی شده	طلاق عاطفی در زوجین	میزان پایبندی نسبت به سنتها و ارزشها	میزان دینداری	احساس از خود بیگانگی	صمیمیت زناشویی	سلامت شخصیتی و روانی
مقدار همبستگی	۰/۶۵	-۰/۵۸	-۰/۵۷	۰/۵۸	-۰/۶۳	-۰/۴۸۸
مقدار احتمال	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
تعداد	۴۰۳	۴۰۳	۴۰۳	۴۰۳	۴۰۳	۴۰۳

بر اساس جدول ۱۰، مقدار سطوح معناداری آزمون در تمام موارد کمتر از ۵ درصد خطا، و لذا تمام روابط معنادار است. بر این اساس می‌توان گفت بین متغیر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی و طلاق عاطفی و هم‌چنین احساس از خود بیگانگی رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد به این معنا که فرضیه محقق تأیید، و فرضیه آماری رد، و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی به طلاق عاطفی و احساس از خود بیگانگی در زوجین منجر می‌شود. از سوی دیگر بین اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی و میزان پایبندی نسبت به سنتها و ارزشها، میزان دینداری، صمیمیت زناشویی و سلامت شخصیتی و روانی زوجین رابطه منفی و لذا معکوس وجود دارد.

جدول ۱۱ نیز رابطه همبستگی پیرسون بین متغیرهای پایبندی نسبت به سنتها و ارزشها در زوجین، میزان دینداری در زوجین، میزان از خود بیگانگی در زوجین، صمیمیت زناشویی و سلامت شخصیتی و روانی را با طلاق عاطفی نشان می‌دهد.

جدول ۱۱. نتایج آزمون پیرسون درباره رابطه متغیرهای پایبندی نسبت به ارزشها و سنتها در زوجین، میزان دینداری در زوجین، میزان از خود بیگانگی در زوجین، صمیمیت زناشویی و سلامت شخصیتی و روانی با طلاق عاطفی

طلاق عاطفی در زوجین			متغیر
تعداد	مقدار احتمال	مقدار همبستگی	
۴۰۳	۰/۰۰۱	-۰/۷۵	پایبندی نسبت به سنتها و ارزشها در زوجین
۴۰۳	۰/۰۰۱	-۰/۷۲	میزان دینداری در زوجین
۴۰۳	۰/۰۰۱	۰/۷۴	میزان از خود بیگانگی در زوجین
۴۰۳	۰/۰۰۱	-۰/۸۰	صمیمیت زناشویی
۴۰۳	۰/۰۰۱	-۰/۶۱۳	سلامت شخصیتی و روانی

براساس نتایج جدول ۱۱ مقدار سطح معناداری آزمون حاضر از ۵ درصد خطا کمتر، و لذا روابط معنادار است. می‌توان گفت بین پایداری نسبت به ارزشها و سنتها در زوجین، میزان دینداری در زوجین، صمیمیت زناشویی و سلامت شخصیتی و روانی با طلاق عاطفی رابطه منفی و لذا معکوس وجود دارد. از سوی دیگر، بین میزان از خود بیگانگی در زوجین و طلاق عاطفی به میزان (۰/۷۴) رابطه وجود دارد. این رابطه مثبت و لذا مستقیم است.

در مجموع و در تحلیل این یافته‌ها می‌توان گفت با توجه به فرض نظری تحقیق مبنی بر اینکه خانواده ایرانی تحت تأثیر فناوریهای جدید و رسانه‌های مجازی، برخی کارکردهای خود را از دست داده و یا کارکردهای آن تغییر کرده و تعادل ساختاری آنها با چالش روبه‌رو شده است، بروز پدیده‌ای همچون طلاق عاطفی دور از انتظار نیست؛ از این رو، تمامی فرضیات محقق قابل تأیید، و این بدان معنا است که هرچه اعتیاد و وابستگی زوجین به شبکه‌های مجازی بیشتر باشد یا به تعبیری خانواده از کارکرد سنتی و اجتماعی خود بیشتر فاصله گرفته باشد، طلاق عاطفی و از خودبیگانگی در زوجین بیشتر می‌شود و نیز میزان صمیمیت زناشویی، پایداری به سنتهای خانوادگی، دینداری و سلامت روانی کاهش پیدا کند. از سویی هر یک از متغیرهای واسط از خودبیگانگی، صمیمیت زناشویی، پایداری نسبت به سنتهای خانوادگی، دینداری و سلامت روانی بر طلاق عاطفی تأثیرگذار است؛ بدین صورت که با افزایش از خودبیگانگی در زوجین، میزان طلاق عاطفی افزایش و با کاهش دیگر متغیرهای واسط بر میزان طلاق عاطفی افزوده می‌شود.

بررسی دیگر فرضیات تحقیق

به نظر می‌رسد بین زوجهای مورد بررسی اعتیاد به شبکه‌های مجازی وجود دارد.

در این فرضیه ملاک قضاوت حد وسط طیف میزان اعتیاد ممکن به شبکه‌های مجازی در نظر گرفته شده است؛ لذا اگر میانگین میزان اعتیاد پاسخگویان از این حد وسط بیشتر باشد، گفته می‌شود آنها اعتیاد دارند. برای آزمون این فرضیه از آزمونهای مقایسه میانگین با یک عدد ثابت (عدد ۳) استفاده شده است. طبق این آزمون میانگین اعتیاد به شبکه‌های مجازی ۲/۸۲ (با انحراف معیار) ۰/۶۰ به دست آمده است؛ اما این مقدار از عدد حد وسط یعنی ۳ کمتر است. هم‌چنین سطح معناداری ۰/۰۱ به دست آمد که از ۵ درصد خطا کمتر است؛ بنابراین می‌توان گفت که ادعای محقق پذیرفته نمی‌شود و به نظر می‌رسد اعتیاد به شبکه‌های مجازی بین زوجهای مورد بررسی وجود ندارد. این نتیجه بیانگر این است که در این تحقیق تأثیر اعتیاد به فضای مجازی بر طلاق

عاطفی تک‌بعدی نیست و به واسطه متغیرهای واسط و نیز کمیت و کیفیت مصرف قابل تعریف است.

طلاق عاطفی در زوجین تابعی از انواع، اهداف، مدت زمان و طول استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی است.

انواع استفاده به صورت گزینه‌ای پرسیده شده ولی شاخص تنوع ساخته شده است؛ یعنی اینکه چه کاربرانی از انواع شبکه‌های اجتماعی (همچون تلگرام، اینستاگرام، فیس‌بوک، واتساپ و...) بیشتر و کمتر استفاده می‌کنند. هم‌چنین اهداف نیز جداگانه پرسیده شده و مدت زمان و طول استفاده نیز مقداری در روز است. هر سه متغیر کمی است و باید با متغیر کمی طلاق عاطفی به کمک آزمون پیرسون سنجیده شود.

جدول ۱۲. بررسی آزمون پیرسون درباره رابطه انواع، اهداف، مدت زمان و طول استفاده

از شبکه‌های اجتماعی مجازی و طلاق عاطفی در زوجین

اهداف استفاده از شبکه‌های اجتماعی					میزان استفاده	تنوع شبکه‌های عضو	آماره‌های بررسی شده	
تفریح، هیجان و سرگرمی	کسب اطلاعات و اخبار	خرید و فروش اینترنتی	تعامل با دوست همجنس	تعامل با دوست مخالف				
۰/۵۸۳	۰/۱۳	۰/۲۸۷	۰/۵۱۳	۰/۴۸۵	۰/۴۵	۰/۲۶۱	مقدار همبستگی	طلاق عاطفی
۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	مقدار احتمال	
۴۰۳	۴۰۳	۴۰۳	۴۰۳	۴۰۳	۴۰۳	۴۰۳	تعداد	

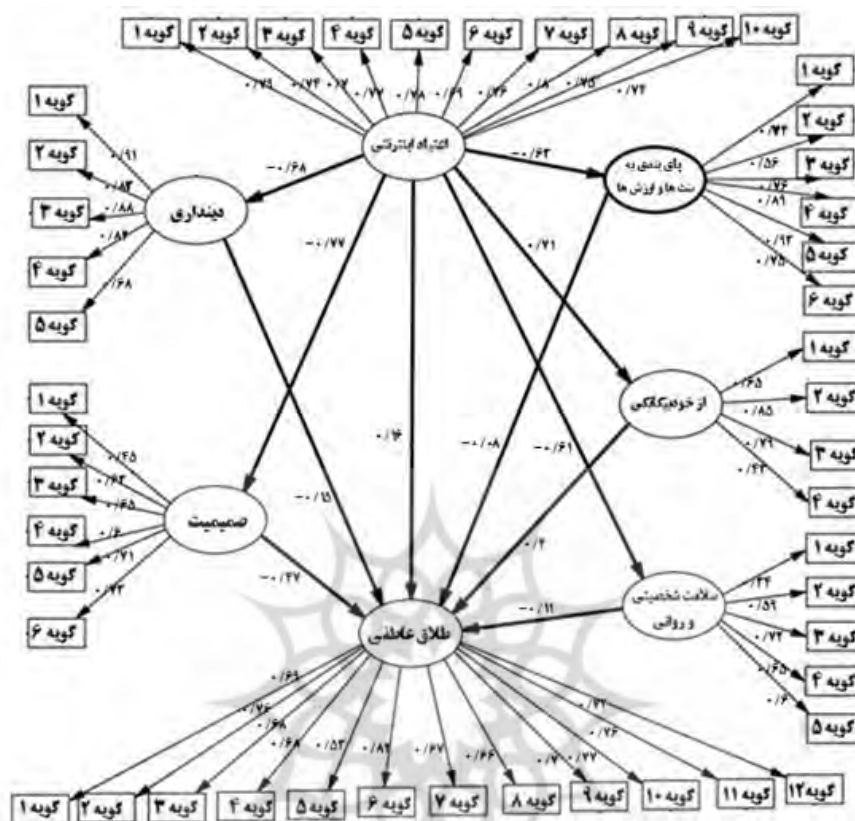
بر اساس جدول ۱۲ مشخص است که طلاق عاطفی با تنوع شبکه‌های عضو (۲۶/۰) رابطه مستقیم و معنادار دارد و از سوی دیگر با متغیر میزان استفاده از فضای مجازی نیز (۰/۴۵) رابطه مستقیم دارد و در مورد اهداف استفاده از شبکه‌های اجتماعی نیز یافته‌ها نشان داده است که طلاق عاطفی بیشترین ارتباط را با تفریح، هیجان و سرگرمی (به میزان ۰/۵۸) دارد؛ سپس با متغیرهای تعامل با دوست همجنس (۰/۵۱)، تعامل با دوست جنس مخالف (۰/۴۸)، خرید و فروش اینترنتی (۰/۳۹) و کسب اطلاعات و اخبار (۰/۱۳) دارای رابطه است. بر این اساس می‌توان گفت شبکه‌های مجازی با بیشترین مخاطب، بیشترین میزان طلاق عاطفی و شبکه‌های اجتماعی با کمترین مخاطب کمترین میزان طلاق عاطفی را در زوجین دارد. هم‌چنین با افزایش مدت زمان استفاده زوجین از شبکه‌های مجازی، طلاق عاطفی افزایش می‌یابد. درباره رابطه طلاق عاطفی و اهداف استفاده از

شبکه‌های مجازی نیز به ترتیب با تقویت هر یک از اهداف تفریح، هیجان و سرگرمی، تعامل اجتماعی با دوستان همجنس، تعامل با دوستان جنس مختلف، خرید و فروش اینترنتی و کسب اطلاعات و اخبار، طلاق عاطفی افزایش می‌یابد. این نتیجه بیان‌کننده این واقعیت است که زوجین در زمانهای فراغت به جای صرف وقت با یکدیگر و پرداختن به روابط خود از شبکه‌های مجازی به‌عنوان وسیله سرگرمی و پرکردن اوقات فراغت استفاده می‌کنند و این مسئله بر طلاق عاطفی تأثیر مستقیم دارد.

آزمون الگوی نظری

به‌منظور بررسی الگوی نظری تحقیق از شیوه الگوسازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار متناظر با آن آموست^۱ استفاده شده است. روش الگوسازی معادلات ساختاری ضمن اینکه ضرایب مجهول مجموعه معادلات ساختاری خطی را برآورد می‌کند برای برازش الگوهایی طرح‌ریزی شده که شامل متغیرهای مکنون، خطاهای اندازه‌گیری در هر یک از متغیرهای وابسته و مستقل، علیت دو سویه، هم‌زمانی و وابستگی متقابل است؛ اما این روش را می‌توان به‌عنوان موارد خاصی برای روشهای تحلیل عاملی تأییدی، تحلیل رگرسیون چند متغیری، تحلیل مسیر، الگوهای اقتصادی خاص داده‌های وابسته به‌زمان، الگوهای برگشت‌پذیر و برگشت‌ناپذیر برای داده‌های مقطعی/ طولی، الگوهای ساختاری کوواریانس و تحلیل چندنمونه‌ای (مانند آزمون فرضیه‌های برابری ماتریس کوواریانسهای، برابری ماتریس همبستگی‌ها، برابری معادلات و ساختارهای عاملی و غیره) نیز به‌کار برد (هومن، ۱۳۸۴).

پس از رسم الگو مطابق با شکل ۱ در نرم‌افزار AMOS الگوی ذیل با مقادیر تأثیر به‌دست آمده است:



شکل ۲. خروجی آزمون الگوی نظری محقق در نرم‌افزار AMOS درباره فرایند تأثیرگذاری اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی بر طلاق عاطفی با بررسی متغیرهای واسطه همراه با مقادیر بارهای عاملی

در این الگو مقادیر بارهای عاملی و مقادیر تأثیر هر متغیر مستقل بر وابسته آورده شده است. شرح الگو به این صورت است:

جدول ۱۳. بررسی آزمون الگوی نظری محقق در نرم‌افزار AMOS درباره فرایند تأثیر گذاری اعتیاد به

شبکه‌های اجتماعی بر طلاق عاطفی با بررسی متغیرهای واسط همراه با مقادیر تأثیر

هر متغیر مستقل بر وابسته

مقدار احتمال	مقدار t	خطای تخمین	مقدار تأثیر		متغیر وابسته	متغیر مستقل
			Beta	B		
۰/۰۰۱	۱۳/۳۷-	۰/۰۷	۰/۶۸-	۰/۹۶-	دینداری	اعتیاد اینترنتی
۰/۰۰۱	۱۰/۹۱-	۰/۰۸	۰/۶۳-	۰/۹۰-	پایبندی نسبت به سنتها	اعتیاد اینترنتی
۰/۰۰۱	۸/۲۳-	۰/۰۷	۰/۷۷-	۰/۵۹-	صمیمیت	اعتیاد اینترنتی
۰/۰۰۱	۱۰/۶۸	۰/۰۸	۰/۷۱	۰/۸۶	ازخودبیگانگی	اعتیاد اینترنتی
۰/۰۰۱	۵/۵۹-	۰/۰۶	۰/۶۱-	۰/۳۲-	سلامت روانی	اعتیاد اینترنتی
۰/۰۳۱	۲/۱۶	۰/۰۸	۰/۱۶	۰/۱۷	طلاق عاطفی	اعتیاد اینترنتی
۰/۰۰۱	۴/۵۲	۰/۰۴	۰/۲۰	۰/۱۷	طلاق عاطفی	ازخودبیگانگی
۰/۰۰۱	۴/۲۹-	۰/۰۳	۰/۱۵-	۰/۱۱-	طلاق عاطفی	دینداری
۰/۰۰۱	۶/۳۲-	۰/۱۰	۰/۴۷-	۰/۶۳-	طلاق عاطفی	صمیمیت
۰/۰۰۸	۲/۶۷-	۰/۰۸	۰/۱۱-	۰/۲۲-	طلاق عاطفی	سلامت روانی
۰/۰۰۲	۲/۳۲-	۰/۰۲	۰/۰۸-	۰/۰۵-	طلاق عاطفی	پایبندی نسبت به سنتها

با عنایت به شکل ۲ و نیز مقادیر جدول می‌توان گفت که اعتیاد اینترنتی به میزان (۰/۶۸-) بر دینداری به میزان (۰/۶۳-) بر پایبندی نسبت به سنتها، به میزان (۰/۷۷-) بر صمیمیت، به میزان (۰/۷۱) بر ازخودبیگانگی، به میزان (۰/۶۱-) بر سلامت روانی و به میزان (۰/۱۶) بر طلاق عاطفی مؤثر است. هم‌چنین از خودبیگانگی به میزان (۰/۲۰)، دینداری به میزان (۰/۱۵-)، صمیمیت به میزان (۰/۴۷-)، سلامت روانی به میزان (۰/۱۱-) و پایبندی نسبت به سنتها نیز به میزان (۰/۰۸-) بر طلاق عاطفی مؤثر است؛ این بدان معناست که با افزایش میزان اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی، طلاق عاطفی در زوجین افزایش می‌یابد؛ هم‌چنین هرچه به میزان این اعتیاد افزوده شود، صمیمیت زناشویی، دینداری، پایبندی نسبت به سنتها و سلامت روانی زوجین کاهش، و ازخودبیگانگی در آنها افزایش می‌یابد و در نتیجه میزان طلاق عاطفی افزایش پیدا می‌کند. در اینجا مقادیر تأثیر در الگوسازی با مقادیر ارتباطی در روش پیرسون متفاوت است؛ اما با توجه به وجود الگوی تحقیق، بهینه است که از روش الگوسازی استفاده شود. در جدول ذیل نیز مقادیر تأثیر غیرمستقیم آورده شده است:

جدول ۱۴. بررسی تأثیر غیرمستقیم اعتیاد اینترنتی بر طلاق عاطفی

متغیر مستقل	متغیر واسط	مقدار تأثیر غیرمستقیم
اعتیاد اینترنتی	دینداری	۰/۱۰
	پایبندی نسبت به سنتها	۰/۰۵
	صمیمیت	۰/۳۶
	ازخودبیگانگی	۰/۱۴
	سلامت روانی	۰/۰۷

براساس جدول ۱۴ مشخص است که اعتیاد اینترنتی به واسطه متغیرهای پنجگانه نیز بر متغیر طلاق عاطفی مؤثر است؛ ولی به ترتیب بیشترین تأثیر تا کمترین تأثیر به واسطه صمیمیت (به میزان ۰/۳۶)، ازخودبیگانگی (به میزان ۰/۱۴)، دینداری (به میزان ۰/۱۰)، سلامت روانی (به میزان ۰/۰۷) و پایبندی نسبت به سنتها (به میزان ۰/۰۵) بر متغیر وابسته مؤثر است. برازندگی الگوها در الگوسازی معادلات ساختاری با شاخصهای بسیاری انجام می‌شود که مهمترین آن شاخص ریشه میانگین مجذور برآورد خطای تقریب (RMSEA) است که مقادیر آن در جدول ۱۵ آورده شده است.

جدول ۱۵. بررسی آزمون برازندگی الگوی نظری تحقیق

Model	RMSEA	۹۰LO	۹۰HI	PCLOSE
Default model	۰/۰۷۳	۰/۰۷۱	۰/۰۷۶	۰/۰۰۰
Independence model	۰/۱۷۰	۰/۱۶۷	۰/۱۷۲	۰/۰۰۰

براساس جدول مقدار آماره RMSEA کمتر از ده درصد و به میزان (۰/۰۷۳) است؛ این مقدار نشان از برازندگی کامل الگوی پژوهش دارد. در تحلیل یافته‌های آزمون الگوی نظری می‌توان بیان کرد که متغیر مستقل اعتیاد اینترنتی بر متغیر وابسته طلاق عاطفی به میزان ۰/۱۶ دارای تأثیر، و این به این معناست که افزایش یک واحد

اعتیاد اینترنتی به افزایش معادل ۰/۱۶ واحد در طلاق عاطفی منجر می‌شود. از سویی متغیر مستقل اعتیاد اینترنتی به واسطه متغیرهای پنجگانه صمیمت زناشویی، پایداری نسبت به سنتها، دینداری، سلامت روانی و از خود بیگانگی بر متغیر طلاق عاطفی مؤثر است و نتایج آزمون برازش الگو بیانگر این است که الگوی ارتباط اعتیاد اینترنتی (با ۱۰ گویه) به‌عنوان متغیر مستقل و با تأثیر متغیرهای واسطه صمیمت زناشویی (با ۶ گویه)، پایداری نسبت به سنتها (۶ گویه)، دینداری (۵ گویه)، سلامت روانی (۵ گویه) و از خود بیگانگی (۱۰ گویه) با متغیر وابسته طلاق عاطفی (با ۱۲ گویه)، با الگوی واقعی داده‌ها منطبق است. ضرایب نیز از یک طرف بیانگر اثر مستقیم اعتیاد اینترنتی بر از خود بیگانگی و در پی آن بر طلاق عاطفی است و از سوی دیگر اثر معکوس اعتیاد اینترنتی بر صمیمت زناشویی، پایداری نسبت به سنتها، دینداری، سلامت روانی و به‌دنبال آن بر طلاق عاطفی است. نکته حائز اهمیت این است که در فرایند تأثیر اعتیاد به شبکه‌های مجازی بر طلاق عاطفی به‌واسطه متغیرهای واسطه، متغیر صمیمت زناشویی (به میزان ۰/۳۶)، بیشترین تأثیر را دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

جهانی‌شدن و گسترش فعالیتهای اطلاعاتی و ارتباطاتی، خانواده را بیش از گذشته در معرض تغییر و دگرگونی قرار داده است. امروزه با خانواده شبکه‌ای، خانواده اطلاعاتی، خانواده دانش‌محور، خانواده دموکراتیک و خانواده و تفریدی^۱ روبه‌رو هستیم. در گذشته خانواده با تعدد کارکردها روبه‌رو بود؛ اما در حال حاضر چنین نیست. کارکردهای آموزش به مدرسه سپرده شده است و رسانه‌های جمعی نیز بسیاری از کارکردهای جامعه‌پذیری را برعهده دارند. هم‌چنین کارکردهای نظارتی خانواده نیز روبه کاهش است؛ به‌این ترتیب، می‌توان گفت که خانواده ایرانی از دو نظر دچار انقباض تدریجی شده است: کمی و کیفی (ساروخانی، ۱۳۹۳). روانشناسان معتقدند پیوند عاطفی که یکی از مؤلفه‌های خانواده‌های منسجم است که در اثر استمرار فضای گفت‌وگو و تبادل نظر میان اعضا شکل می‌گیرد، رسانه‌های جمعی چون شبکه‌های اجتماعی مجازی به شکلهای گوناگون، پیوندهای عاطفی در خانواده را مخدوش می‌کنند و به آن آسیب می‌رسانند. پژوهشهای تجربی نشان می‌دهند که هر اندازه ارتباط میان همسران به‌دلیل تغییر مخاطب

کاهش یابد، پیوند عاطفی، هیجانی و نیز همگونی شناختی میان اعضای خانواده نیز کاهش می‌یابد که این موضوع، انسجام خانواده را به خطر می‌اندازد. اصطلاح «بیوه اینترنتی» به همسر معتاد به اینترنت اطلاق می‌شود. آمارها نشان می‌دهد که اعتیاد به اینترنت ممکن است به فروپاشی و طلاق بینجامد (گندمی، ۱۳۸۹). استفاده روزافزون کاربران از شبکه‌های مجازی در ایران مسئله‌ای بدیهی است و به‌طور گریزناپذیری، زوجین در رویارویی با اینترنت و فضای مجازی تأثیرپذیری زیادی دارند و این تأثیرپذیری بر ابعاد مختلف زندگی زناشویی آنها اثر گذاشته است که نتایج این تحقیق نیز این موضوع را تأیید می‌کند؛ از این رو، به‌منظور بررسی تأثیر استفاده از شبکه‌های مجازی بر طلاق عاطفی زوجین در شهر تهران، مطالعات نظری انجام، و با تکیه بر رویکرد ترکیبی و مبتنی بر نظریه کارکردگرایی ساختی پارسونز تلاش شد تا تبیینی جامعه‌شناختی از موضوع مورد مطالعه ارائه شود.

نتایج تحقیق نشان داد هرچه اعتیاد زوجین به شبکه‌های مجازی بیشتر باشد، نارضایتی آنها از زندگی زناشویی بیشتر و در نتیجه طلاق عاطفی بیشتر است. طبق نظریه کارکردگرایی پارسونز از مهمترین اهداف خانواده دستیابی به رضایت رابطه‌ای است. از سویی مطابق با نظریه وابستگی در صورت بروز اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی به دلیل اینکه کاربر وقت بسیار زیادی را صرف استفاده از این رسانه می‌کند، تمام گفتگوهای خانوادگی و روابط عاطفی را از دست می‌دهد و خود را با افراد خانواده بیگانه احساس می‌کند؛ در نتیجه خانواده از رسیدن به اهداف مورد نظر دور می‌شود. براساس نظریه صمیمیت نیز کاهش تدریجی رضایتمندی در روابط اعضای خانواده ابتدا موجب گسست روانی و عاطفی و سپس اجتماعی و درنهایت واقعه حقوقی می‌شود که طلاق نام دارد. این نتیجه با نتایج تحقیقات (هند و همکاران، ۲۰۱۳) و (مک‌دانیل و کوئن، ۲۰۱۴) نیز هم‌هنگی دارد.

از سوی دیگر نتایج نشان داد هرچه اعتیاد به شبکه‌های مجازی بیشتر باشد، پابندی نسبت به سنتها و ارزشها کاهش می‌یابد و با تضعیف پابندی به سنتها و ارزشها، طلاق عاطفی افزایش می‌یابد. طبق نظریه بازاندیشی گیدنز یکی از مهمترین پیامدهای مدرنیته، که با فرایند جهانی‌شدن نیز تشدید شده، بازاندیشی در باب سنت و ارزشهای پیشین جامعه است و در نهایت مطابق با نظریه کارکردگرایی ساختی پارسونز وقتی قوانین حقوقی و ضوابط هنجاری خانواده ضمانت اجرای خود را از دست می‌دهد، کارکرد یگانگی و انسجام خانواده مختل، و زمینه طلاق عاطفی و سرانجام طلاق واقعی فراهم می‌شود. هم‌چنین طبق یافته‌های مشخص شد که با افزایش اعتیاد به

شبکه‌های مجازی، میزان دینداری در زوجین کاهش، و با کاهش دینداری در زوجین، طلاق عاطفی افزایش می‌یابد. مطابق با دیدگاه کارکردگرایی پارسونز با کاهش دینداری در زوجین، نظام الگوهای فرهنگی خانواده آسیب می‌بیند و از ایجاد الگوها و انگیزه‌های لازم برای حفظ و بقای خانواده باز می‌ماند؛ در این صورت زن و مرد انگیزه‌ای برای بقا و استحکام نظام خانواده نمی‌شناسند و لذا با به وجود آمدن کمترین اختلافی برای گسستن این پیوند آماده می‌گردند. این نتیجه با نظریه سیر تحول جامعه ازدید سوروکین و دیدگاه اودری درباره نقش دین به‌عنوان عاملی در راه جلوگیری از طلاق منطبق است.

نتایج حاکی است که هرچه بر اعتیاد به شبکه‌های مجازی افزوده شود، میزان ازخودبیگانگی نیز افزایش می‌یابد و هرچه ازخودبیگانگی در زوجین تقویت شود، طلاق عاطفی نیز بیشتر می‌شود. مطابق با نظریه ایده‌آلیستی لرنر تجربه «زندگی دوم» برای کاربر در فضای مجازی به اختلال در کارکرد سازگاری و انطباق خانواده با محیط اجتماعی منجر می‌شود؛ تنش ایجاد شده در تقابل با جهان مجازی، بی‌هنجاری در روابط زوجین و تقویت بیگانگی عاطفی، نظام خانواده را سست، و زمینه افزایش طلاق عاطفی را فراهم می‌سازد. درباره رابطه اعتیاد به شبکه‌های مجازی و سلامت شخصیتی و روانی زوجین، نتایج نشان داد که هرچه اعتیاد به شبکه‌های مجازی بیشتر باشد، میزان سلامت روانی زوجین کاهش می‌یابد و افزایش طلاق عاطفی را دربر خواهد داشت. ارتباط مجازی از طریق اینترنت محملی برای گریز از واقعیت و وسیله‌ای برای ارضای نیازهای هیجانی و روانی به‌وجود می‌آورد. شبکه‌های اجتماعی مجازی نیز همچون ماده مخدر عمل می‌کند و فرد بدون دسترسی به آن بسیار پرخاشگر می‌شود و تنها با در اختیار داشتن و استفاده از آن احساس آرامش خواهد کرد. این نتیجه با نتایج تحقیقات داخلی (گنجی و همکاران، ۱۳۹۴) و نیز تحقیقات خارجی (ون لی و همکاران، ۲۰۱۳) و (لی و همکاران، ۲۰۱۶) منطبق است.

نتایج الگوی معادله ساختاری نشان داد متغیر مستقل خالص اعتیاد اینترنتی از طریق متغیرهای مستقل و واسطه‌ای صمیمیت زناشویی، سلامت شخصیتی و روانی، ازخودبیگانگی، دینداری و پابندی نسبت به ارزشها و سنتها با متغیر وابسته خالص طلاق عاطفی دارای ارتباط است و به ترتیب بیشترین تأثیر تا کمترین تأثیر به واسطه صمیمیت، ازخودبیگانگی، دینداری، سلامت روانی و پابندی نسبت به سنتها است. با استناد به اینکه الگوی نظری محقق از برازش کاملی برخوردار است، می‌توان این‌گونه تعبیر کرد که جهانی شدن، افزایش ارتباطات و نفوذ اینترنت بیشترین اختلال را در کارکرد عاطفی و روانی نظام خانواده وارد کرده است و از این طریق مانع رسیدن به

هدف رضایت رابطه‌ای در زوجین می‌شود. استفاده از رسانه‌های نوین چون شبکه‌های اجتماعی مجازی به افزایش توقعات و انتظارات، مصرفی شدن خانواده‌های شهری منجر گردیده و با خود ارزشهای تازه‌ای را به همراه داشته است که رویگردانی از داشتن فرزند بیشتر، تأخیر فرزندآوری زنان به دلیل توجه به ارزشهای فردی، نفی انحصارگرایی مردان در خانواده، آزادی زنان و اشتغال آنان از جمله ارزشهای تغییر یافته در خانواده‌ها به واسطه تغییر سمت و سوی توقعات و نیازها است که در کلانشهری چون تهران شاهد آن هستیم؛ لیکن این تغییر در راستای همان تغییراتی است که گیدنز نیز بدان اشاره کرده است. این تغییر همان افزایش روزافزون و پررنگ شدن ویژگی رمانتیک افراد در زندگی زناشویی و اهمیت یافتن عنصر احساسات و عواطف است. از نظر گیدنز تا زمانی که زوجین از داشتن رابطه زناشویی با یکدیگر احساس رضایت متقابل داشته باشند، آن را ادامه می‌دهند و هر لحظه که این احساس در آنها از بین برود، دلیلی برای تداوم رابطه ندارند. برخلاف گذشته، که افراد در هر وضعیتی تلاش می‌کردند رابطه زناشویی تداوم داشته باشد، امروزه این نگرش در حال تغییر است. امروزه ازدواج، برخلاف گذشته که هدف بود، بیشتر وسیله است؛ وسیله‌ای برای رسیدن به خوشبختی و بهبود کیفیت زندگی.

از سویی تأثیر رسانه‌های نوین ارتباطی همچون شبکه‌های اجتماعی مجازی بر روابط همسران، ساده و تک‌وجهی نیست. پرسش‌هایی درباره‌ی چه میزان، چه نوع و در رابطه باچه هدفی و نظایر آن در زمینه مصرف اینترنتی، تعیین‌کننده تأثیرات مختلف این رفتار فراگیر بر فرد، همسر و بر کلیت این گروه اجتماعی است. می‌توان گفت صرفاً استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌عنوان عامل دگرگونی نظام خانواده در ایران، نگاهی کاهشگرایانه است؛ هم‌چنانکه در این تحقیق فرضیه وجود اعتیاد به شبکه‌های مجازی در زوجین مورد بررسی تأیید نشد و نیز ضریب تأثیر اعتیاد اینترنتی بر طلاق عاطفی به‌تنهایی و بدون اعمال متغیرهای واسطه در الگو ۰/۱۶ برآورد شد. از این‌رو شبکه‌های اجتماعی مجازی برخی پدیده‌ها و فرایندها را آسان می‌سازد که موجبات تحول مرزهای خانواده در ایران شده است؛ به تعبیری دیگر، زمینه ایجاد این تغییرات را فراهم کرده است.

با توجه به نتایج تحقیق مشخص شد که اعتیاد به شبکه‌های مجازی در شکل‌گیری و تسریع فرایند بازاندیشی در زوجین و اختلال در کارکرد عاطفی و روانی آنها منشأ اثر است؛ از این‌رو، راهکارهای ذیل در قالب مهندسی فرهنگی در سطح جامعه برای خانواده‌ها پیشنهاد می‌شود:

- شبکه‌های اجتماعی هر اندازه که از نظر کاربر جذاب باشد، امکان انتقال معنویت را نخواهد داشت؛ چنانکه در قرآن کریم، آیه ۲۱ سوره روم آمده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ

أَزْوَاجاً لِيَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ: از جمله نشانه‌های خداوند این است که برای شما همسرانی آفریده است که با آنها آرامش پیدا کنید و میانتان دوستی و مهربانی قرار داد. رسانه‌های مجازی نمی‌توانند جای ارتباط چهره‌به‌چهره را در مناسبات ارتباطی بگیرند؛ پس رویکرد خانواده‌ها باید با کاهش استفاده از ابزارهای رسانه‌ای و استفاده مهار یافته از آنها در جهت اهداف قابل کنترل، سامان یابد و فعالیتهای مثبت از قبیل صلح ارحام و گذراندن اوقات فراغت با خانواده را جایگزین آن کرد. طبیعی است در این وضعیت، فضای خانواده برای گفتگو و هم‌کلامی عاطفی و به اشتراک گذاشتن تجربه دینی و فرهنگی آماده می‌شود.

- برای اینکه افراد خانواده بتوانند با استفاده صحیح از رسانه‌ها آگاهی خود را افزایش دهند با عرضه کتاب و اطلاع‌رسانی به خانواده‌ها از طریق سازمانهای فرهنگی، سواد رسانه‌ای را در خانواده‌ها گسترش دهند و شرایطی فراهم آید تا هر خانواده ایرانی با خیالی آسوده بتواند از فناوریهای نوین ارتباطی استفاده کند و از گزندهای آن نیز در امان باشد.

- با توجه به اینکه کاهش ارتباطات عاطفی عامل کشیده شدن بدون حد و مرز زوجین به سوی دنیای مجازی و فضایی غیر از فضای گرم خانواده است، بهره‌گیری از مشاوران و متخصصان حوزه خانواده در خانه‌های سلامت و سراهای محلات از طریق آموزش مهارتهای ارتباطی به منظور افزایش تفاهم و سازگاری زناشویی و در نتیجه کاهش میزان طلاق عاطفی تأثیرگذار خواهد بود.

- در پایان تجربه نشان داده است که سیاست فیلترینگ و برخورد سلبی و قهری با شبکه‌های اجتماعی، بدترین راه‌حل کاهش آسیبهای اجتماعی ناشی از آن است و نتیجه عکس خواهد داشت. راه‌حل مناسب در این زمینه، هدایت آگاهانه در استفاده و نیز به‌وجود آوردن جایگزینهای بومی و ملی است.

منابع

احمدنیا، شیرین (۱۳۹۲). بررسی جامعه‌شناختی تأثیرات شبکه‌های مجازی بر مناسبات خانوادگی. مجموعه مقالات همایش تخصصی شبکه‌های اجتماعی. تهران: پژوهشکده فناوری اطلاعات و ارتباطات جهاد دانشگاهی.

آزاد ارملی، تقی (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی خانواده ایرانی. تهران: نشر سمت.

اسحاقی، محمد؛ محبی، فاطمه؛ پروین، ستار؛ فریبرز، محمدی (۱۳۹۱). سنجش عوامل اجتماعی مؤثر بر درخواست طلاق زنان در شهر تهران. فصلنامه زن در توسعه و سیاست. دوره ۱۰. ش ۳.

- اعزازی، شهلا (۱۳۸۹). **جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر**. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- بریگز، ایسا؛ برک، پیتر (۱۳۹۱). **تاریخ اجتماعی رسانه‌ها از گوتنبرگ تا اینترنت**. ترجمه حسن نمک‌دوست‌تهرانی. تهران: انتشارات همشهری.
- بستان، حسین (۱۳۸۹). **اسلام و جامعه‌شناسی خانواده**. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- چیل، دیوید (۱۳۸۸). **نگرشی جامعه‌شناختی به خانواده‌ها در دنیای امروز**. ترجمه محمدمهدی لیبی. تهران: افکار.
- حجیر، یوسف؛ حسین‌نظر، فائزه (۱۳۹۲). **آسیب‌شناسی خانواده ایرانی در عرصه شبکه‌های مجازی**. مجموعه مقالات همایش تخصصی شبکه‌های اجتماعی. تهران: پژوهشکده فناوری اطلاعات و ارتباطات جهاد دانشگاهی.
- ذکایی، سعید (۱۳۸۳). **جوانان و فراغت مجازی**. فصلنامه مطالعات جوانان. ش ۶.
- رحیمی، محمد؛ شکرپیگی، عالیبه؛ ساروخانی، باقر؛ حضرتی‌صومعه، زهرا (۱۳۹۶). **بررسی جامعه‌شناختی رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در خانواده‌ها**. پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده. س پنجم. ش ۸.
- روشه، کی (۱۳۶۶). **تغییرات اجتماعی**. ترجمه منصور وثوقی. تهران: نشرنی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۹). **مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده**. تهران: نشر سروش.
- ساروخانی، باقر (۱۳۹۳). **دانشنامه ارتباطات ۱ (جامعه‌شناسی ارتباطات، اصول و مبانی)**. تهران: انتشارات اطلاعات.
- سعادت، فرحناز؛ خدامرادی، طیبه؛ خدامرادی، طاهره (۱۳۹۳). **بررسی میزان استفاده از فضای مجازی بر ارزشهای خانواده (مطالعه موردی: معلمان مقطع متوسطه سازمان آموزش و پرورش استان ایلام)**. فصلنامه فرهنگ ایلام. دوره ۱۵. ش ۴۴ - ۴۵.
- سگالن، مارتین (۱۳۸۵). **جامعه‌شناسی تاریخی خانواده**. ترجمه حمید الیاسی. تهران: نشر مرکز.
- سلیمی، عظیمه؛ جوکار، بهرام؛ نیک‌پور، روشنگر (۱۳۸۸). **ارتباط اینترنتی در زندگی: بررسی نقش ادراک حمایت اجتماعی و احساس تنهایی در استفاده از اینترنت**. نشریه مطالعات روانشناسی. دوره ۵. ش ۳.
- سورین، ورنر؛ تانکار، جیمز (۱۳۸۸). **نظریه‌های ارتباط جمعی**. ترجمه علیرضا دهقان. تهران: دانشگاه تهران.
- شکرپیگی، عالیبه (۱۳۹۶). **بررسی جامعه‌شناختی رابطه مصرف شبکه‌های اجتماعی مجازی و ظهور تحولات در روابط زناشویی زوجین منطقه ۱ شهرتهران**. مجله جامعه‌شناسی ایران. دوره هیجدهم. ش ۲.
- کفاشی، مجید (۱۳۸۹). **الگوسازی معادلات ساختاری تأثیر اینترنت بر ارزشهای خانواده**. پژوهشنامه علوم اجتماعی. س چهارم. ش ۳.
- گندمی، زینب (۱۳۸۹). **بررسی رابطه اعتیاد به اینترنت و ویژگیهای شخصیتی دانش‌آموزان متوسطه شهرستان کاشان سال تحصیلی ۸۸-۸۹**. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته روانشناسی تربیتی، دانشگاه کاشان.

- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱). جهانی شدن فرهنگ. هویت. تهران: نشر نی.
- گنجی، محمد؛ نیازی، محسن؛ ملک‌پورشهرکی، علیرضا (۱۳۹۴). بررسی تأثیر اعتیاد به فناوریهای نوین ارتباطی (اینترنت و ماهواره) بر ازم گسیختگی خانواده در شهرکرد. *نشریه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*. دوره چهارم. ش ۱.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). *پیامدهای مدرنیته*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: مرکز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). *چشم‌اندازهای جهانی*. ترجمه محمدرضا جلائی‌پور. تهران: طرح نو.
- مولایی، محمدمهدی (۱۳۸۹). *شبکه‌های اجتماعی فراتر از ابزارهای تکنولوژیکی*. قابل بازیابی در: <http://www.gerdab.ir/fa/pages/?cid=1899>
- نعیمی، محمدرضا (۱۳۹۰). تأثیر تعامل خانواده و ماهواره در بروز پدیده طلاق (مطالعه موردی شهرستان گرگان). *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*. دوره ۱. ش ۱.
- مک‌کوئیل، دنیس (۱۳۸۲). *درآمدی بر نظریه‌های ارتباطات جمعی*. ترجمه پرویز اجلالی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- ولیس، پاتریشیا (۱۳۸۲). *روانشناسی اینترنت*. ترجمه فضل‌الله قنادی. تهران: دانشگاه کمبریج. مؤسسه انتشاراتی ایران نو.
- سایت مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری ۱۳۹۵: <https://www.amar.org.ir>
- مک‌کی، هیو؛ رینولدز، پال؛ مپلز، وندی (۱۳۸۶). *تحقیق در جامعه اطلاعاتی*. ترجمه رامین کریمیان. تهران: دفتر مطالعات توسعه رسانه.
- میرزایی، خلیل (۱۳۸۸). *پژوهش، پژوهشگری و پژوهشنامه‌نویسی*. تهران: جامعه‌شناسان.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۸۴). *الگویابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل*. تهران: نشر سمت.
- یوسفی، علی (۱۳۸۰). *روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران*. فصلنامه *مطالعات ملی*. ش ۸.

- Farrugia,R,C,« Facebook and Relationships: A Study of How Social Media Use is Affecting Long-Term Relationships». Thesis, Rochester Institute of Technology(2013).
- Hand,M,M.Thomas,D.Buboltz,W,C. Deemer,E,D. & Buyanjargal,M, «Facebook and Romantic Relationships: Intimacy and Couple Satisfaction Associated with Online Social Network Use».CYBERPSYCHOLOGY, BEHAVIOR, AND SOCIAL NETWORKING. Volume 16, Number 1, (2013).
- Li,D. Zhang,W. Li,X. Zhou,W. Zhao,L. & Wang,W,«Stressful life events and adolescent Internet addiction: The mediating role of psychological needs satisfaction and the moderating role of coping style». *Computers in Human Behavior*, 63 (2016) .
- Li,W. Garland,E,L. & Howard,M,O,«Family factors in Internet addiction among Chinese youth: A review of English- and Chinese-language studies». *Computers in Human Behavior*.31 (2014) .
- Mashek, Debra J., Sherman, Michelle D, 2008. *Desiring Less Closeness With Intimate Others* , Retrieved fromhandbook of Closeness and Intimacy, London, Lawrence Erlbaum Associates, Publishers, Mahwah, New Jersey. This edition published in the Taylor &Francis e-Library.

- Mao,A. & Raguram,A,« Online infidelity: The new challenge to marriages». ,Indian J Psychiatry. 51(4),(Oct-Dec 2009).
- McDaniel, B. T., & Coyne, S. M,«"Technoferece": The interference of technology in couple relationships and implications for women's personal and relational well-being». Psychology of Popular Media Culture,(2014).
- Udry. R, 1971. Social control of marriage. New York. P. 456.

